



موضوع رساله

## **نقد و بررسی انسان معلق در فضا**

استاد راهنما:

**جناب آقای دکتر سید مرتضی حسینی شاهرودی**

استاد مشاور:

**جناب آقای دکتر احمد عابدی**

گردآورنده:

**مصطفی رنجبر**

سال ۱۳۸۸-۱۳۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیر (سپاس)

«من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»

خدای را بر نعمت لم یزل و لایزالش سپاس که در الطاف و عنایات بی‌کران خویش مستغرمان نمود و صلوات و سلام بی‌پایان و پیاپی بر یگانه آفرینش، حبیب خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش.

خدای را سپاس که ما را ریزه‌خوار خوان جود و کرم خویش قرار داد و ما را از امت او ساخت.

خدای را سپاس بر این نعمت ویژه که اگر از ابتدای عمر تا به انتها شاکر آن باشیم، به گونه‌ای که همه ذرات وجودم زبان گردد و مکرر به شکر پردازد، شکر آن نعمت جسیم و منت عظیم نگزارده است.

خدای را سپاس که بی‌استحقاق و بی‌لیاقت هر منتهی، منت نهاد و مرا با وادی بی‌کران معرفت و معلمان آن آشنا ساخت.

این نوشتار بهانه‌ای شد که بار دیگر از همه معلمان و همه آنان که به من حرفی آموخته‌اند و مرا از ابتدا در مسیر علم و معرفت راهنمایی کرده و زمینه‌های بعدی را برایم فراهم نموده‌اند، سپاسگذاری می‌کنم.

از ریاست محترم دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد جناب حجه‌الاسلام حسن نقی‌زاده و از اساتید دانشمند گروه فلسفه و کلام دانشگاه فردوسی مشهد و به خصوص از استاد راهنمای بزرگوaram جناب آقای دکتر سید مرتضی حسینی شاهرودی و استاد مشاور بزرگوaram جناب آقای دکتر احمد عابدی که بنده را در کتابت این پایان‌نامه یاری نموده‌اند کمال امتنان و تشکر را دارم.

جای آن دارد از عنایات و الطاف بی دریغ و بی وقفه استاد راهنمای بزرگوار و ارجمند  
جناب آقای دکتر سید مرتضی حسینی شاهرودی که این حقیر را شرمنده خود ساخته است  
تشکری قاصر و قدردانی ای بی مقدار نمایم.

و همچنین از زحمات پدر و مادر عزیزم تقدیر و تشکر می کنم ان شاء الله که بتوانم در  
آینده اندکی از زحمات آنان را جبران ک

و در پایان از همسر مهربانم که مرا با همه این سختی ها در تدوین این رساله تحمّل  
کردند قدردانی و تشکر می کنم.

تقديم به:

مولا و مقتدايم  
حضرت ثامن الحجج  
على بن موسى الرضا المرتضى  
(عليه السلام)  
و حضرت صاحب الامر  
ابا صالح المهدي (عجل الله تعالى  
فرجه)

به اميد ظهورش

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
فصل اول کلیات	
۱- اهمیت و ضرورت مسئله	۵
۱-۱- معرفت نفس	۵
۱-۲- اهمیت مباحث «نفس» در علم عقاید	۸
۱-۳- جایگاه «علم النفس» در فلسفه اخلاق و نظام تعلیم و تربیت	۹
۱-۴- جایگاه «علم النفس» در فلسفه اسلامی پیش از حکمت متعالیه	۱۰
۱-۵- جایگاه «علم النفس» در «حکمت متعالیه»	۱۰
۲- تعریف و شرح مسئله	۱۲
۲-۱- تعریف نفس	۱۲
۲-۲- نظریه حکما در مورد حقیقت نفس	۲۴
۲-۳- تکمیل تعریف نفس بر طبق مسلک حکمای مشاء	۲۶
۲-۴- چکیده نظریه صدر المتألهین در باب حقیقت نفس	۲۸
۲-۵- گذری بر تاریخ مسئله وحدت و بساطت نفس	۲۹
۳- پیشینه و تاریخچه مسئله	۳۳
۳-۱- تأثیر برهان انسان معلق در فضا در فلسفه اسلامی	۳۶
۳-۲- تأثیر برهان انسان معلق در فضا در فلسفه غرب	۳۷
فصل دوم: تقریرات و نقدها	
۱- تقریرات	۴۲
۱-۱- برهان ابن سینا	۴۲
۱-۲- تقریر شیخ شهاب الدین یحیی سهروردی	۵۲

۵۸	۱-۳- تقریر ابو حامد محمد غزالی
۶۱	۱-۴- تقریر فخرالدین رازی
۶۸	۱-۵- تقریر خواجه نصیرالدین طوسی
۷۱	۱-۶- تقریر قطب‌الدین رازی
۷۴	۱-۷- تقریر صدرالمتألهین
۷۸	۱-۸- تقریر دکارت
۸۳	۲- نقدها
۸۳	۲-۱- نقد اول
۸۴	۲-۲- نقد دوم
۸۷	۲-۳- نقد سوم
۸۷	۲-۴- نقد چهارم
۸۸	۲-۵- نقد پنجم
۸۹	۲-۶- نقد ششم
۹۰	۲-۷- نقد هفتم
۹۰	۲-۸- نقد هشتم
۹۱	۲-۹- نقد نهم

### فصل سوم: آثار مترتب بر برهان انسان معلق در فضا

۹۳	۳-۱- اثبات وجود نفس
۹۵	۳-۲- اثبات تجرد نفس
۹۵	۳-۳- اثبات بقای نفس
۹۷	۳-۴- اثبات مغایرت نفس با بدن و اجزای آن
۹۹	نتیجه‌گیری
۱۰۳	منابع و مآخذ

## پیشگفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و صلی الله علیه سیدنا محمد و آله الطاهرين و لعنته الله علی اعدائهم اجمعین.

بهترین و شایسته‌ترین سپاس‌ها برای حضرت معبودی است که با آفرینش انسان: آینه تمام‌نمای جمال و جلال او، نام احسن الخالقین را بر خود مسجل ساخت، و با تجلیات ربانیه خود بشر را از ظلمتکده جهل به اعلی ذروه علم و بصیرت و معرفت و توحید رهبری فرمود و کاملترین درودها اختصاص به خاتم پیامبران، و سرخیل کاروان رسل و فرستادگان الهیه حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم دارد، که به خطاب «فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید» مخاطب شد، و به خلعت زیبای علم و معرفت به انوار ملکوتیه و سبحانیه حضرت رب و دود مخلع گردید. و بر یگانه وزیر و وصی والاتبارش: امیر موحدان علی بن ابی طالب که با بیان دربارش کشف معضلات از پویندگان راه سعادت و توحید نمود؛ و مُفَصَّل مجمل قرآن، و مؤوَّل تنزیل فرقان الهی گشت و بر امّ خلقت، بضعه النبّی، کوثر قرآن، بتول عذرا، صدیقه کبری، فاطمه زهرا سلام الله علیها و بر یازده فرزندش بالأخص حضرت امام زمان حجه بن الحسن العسکری ارواحنا فداه که یکی پس از دیگری با تحمل اعباء ولایت، و وظیفه خطیر امامت، قافله سالار کاروان عالم هستی در پویایی خود، به وطن مألوف مقرر امن و امان الهی گردیدند؛ و بشر را از تاریکی‌های ژرف خودخواهی و خودپسندی و خودبینی و خودگرایی و خودنگری، بر خداجویی و خدانشناسی فراخواندند.

و بهترین تحیت و اکرام و دعا و اعظام، بر علما راستین، و دانشمندان استوار، و متین امت باد؛ که رب متعلمین راه نجات و سرپرستان ایتام آل محمد بودند، و پیوسته با یمن تعلیم و تربیت خود، سوختگان و آوارگان راه محبوب را به مقام عز توکل و رضا و تفویض و تسلیم رهبری کرده، به آستان توحید دلالت نمودند.



## فرم چکیده پایان‌نامه تحصیلی

نام خانوادگی دانشجو: رنجبر نام: مصطفی

استاد راهنما: جناب آقای دکتر سید مرتضی حسینی شاهرودی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر احمد عابدی

دانشکده: الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری

رشته: الهیات گرایش: فلسفه و کلام اسلامی

مقطع: کارشناسی ارشد تاریخ دفاع: تعداد صفحات:

عنوان پایان‌نامه: نقد و بررسی برهان انسان معلق در فضا

کلید واژه: نفس، تجرد، بقا.

### چکیده

برهان انسان معلق در فضا یکی از براهین اثبات نفس است که اولین بار ابن‌سینا آن را مطرح کرده است این برهان تقریرهای متعددی دارد که همه آنها در رساله مطرح شده است و مورد بررسی قرار گرفته است. در این رساله با استناد به برهان یاد شده علاوه بر اثبات وجود نفس، تجرد، بقا و مغایرت آن با بدن نیز اثبات شده است و نقدهای مربوط به آن نیز پاسخ داده شده است.

مسئله نفس از مسائل بنیادین فلسفه اسلامی است و حل شدن آن گره مسائل دیگری را

خواهد گشود می‌توان گفت که مسأله نفس از سه جهت در فلسفه اسلامی اهمیت دارد:

- ۱- از جهت تأکیدی که در متون اسلامی نسبت به معرفت نفس و تزکیه آن شده است
- ۲- از جهت تاثیری که در سرنوشت مسائل فلسفی دیگر دارد مسائلی نظیر مسئله معاد، مسئله علم و مجرد آن، مسئله اتحاد عقل و عاقل و معقول و مسئله شناخت ماهیت انسان یا انسان شناسی به طور کلی، مسئله جاودانگی نفس و..

۳- از جهت اینکه غایت فلسفه را بعضی فلاسفه اسلامی معرفت و تزکیه نفس

دانسته‌اند، به گفته برخی درک حکمت اشراقی بیشتر بر آگاهی به درون وجود انسان و تأمل هستی آدمی استوار است. خود شناسی و علم النفس در واقع کلید درک این حکمت و بحث اساسی و حیاتی آن را تشکیل می‌دهد.

حکمای مشایی چه اسلامی و چه یونانی علم النفس را فصلی از فصول طبیعیات

محسوب داشته و بیشتر به شرح قوا و فعالیت‌های آن توجه دارند در حالی که شیخ اشراق علم النفس را به مباحث الهیات نزدیک می‌سازد و از نیروهای نفس کمتر سخن می‌گوید. آنچه وی در این باب ابراز می‌دارد، ارائه طریق در چگونگی نجات نفس از زندان تن و رهایی انسان از ظلمات جهان مادی است.

سه مسأله بنیادین در مسأله نفس وجود دارد که عبارتند از:

۱- اثبات وجود نفس؛ به این معنی که روشن شود آیا چیزی به نام نفس انسانی در

خارج وجود دارد یا نه؟

۲- اثبات مجرد نفس؛ به این معنی که بدانیم آیا نفس انسانی موجود در خارج مجرد

است یا مادی؟ پیداست که مجرد نفس متوقف بر موجود دانستن نفس است پس اگر وجود

نفس اثبات نشود یا روشن شود که نفس وجود ندارد؛ نوبت به بحث مجرد نفس نخواهد رسید.

۳- اثبات بقای نفس و مغایرت آن با بدن؛ به این معنی که آیا نفس انسانی موجود و مجرد باقی خواهد بود یا نه؟

در این رساله پس از اشاره به اثبات وجود و مجرد نفس و تبیین برهان انسان معلق در فضا به این مسئله نیز اشاره خواهیم کرد که نفسی که موجود و مجرد می‌باشد همواره باقی است.

مفهوم مشترک در مسائل یاد شده بنیادین مفهوم «نفس» است و تا مباحث تصویری نفس معلوم نشود نوبت به تصدیق وجود، مجرد و بقای آن نخواهد رسید.

فیلسوفانی چون ابن‌سینا بعد از تعریف نفس با وجود براهین و ادله کافی همچون استدلال از راه وجدان و تجربه درونی در برهان انسان پرنده که در این رساله از آن سخن خواهیم گفت، یا استدلال از راه حرکت ارادی و ادراک عقلی و استدلال از راه مغایرت نفس با مزاج به اثبات وجود نفس و مجرد و بقای آن می‌پردازند؛ که اینها لازم و ملزوم یکدیگرند. برهان انسان پرنده یا رجل طائر یا انسان معلق در فضا که از براهین اثبات وجود نفس است از ابتکارات ابن‌سیناست و پس از وی هم محل برداشتها و تقریرات مختلف و هم محل نقدها و اعتراضات مختلفی بوده است که سعی ما در این جستار این است که مباحث فلسفی راجع به نفس را که ابن‌سینا در برهان انسان معلق در فضا بیان کرده و تقریرات و نقدهایی را که فیلسوفان بر آن نگاشته‌اند، به قلمی روان به رشته تحریر در آورم.

سؤالات و فرضیات ما در این پژوهش عبارتند از:

- ۱- بیان ابن‌سینا در خصوص برهان انسان معلق در فضا چیست؟
- ۲- تقریراتی که از برهان انسان معلق در فضای ابن‌سینا شده است چیست و چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟

### ۳- آثار و نتایج مترتب بر این برهان چیست؟

روش تحقیق در این رساله به صورت روش کتابخانه‌ای و نظری بوده است و ساختار

رساله به این شکل است:

۱- قسمت اول به بحث کلیات اختصاص دارد که در آن مباحثی از قبیل اهمیت و

ضرورت مسئله نفس و تاریخچه آن مطرح شده است؟

۲- قسمت دوم به بحث تقریرات مختلف از برهان انسان معلق ابن سینا اختصاص دارد.

در این قسمت ابتدا به بیان خود ابن سینا از این برهان پرداخته شده و سپس به ترتیب

تقریرات سهروردی، غزالی، فخر رازی، خواجه نصیرالدین طوسی، قطب رازی و ملاصدرا بیان

شده است. بیان ابن سینا از سوی متفکرین و فلاسفه مغرب زمین مورد استقبال قرار گرفته لذا

تلاش شده است از سخنان دکارت که به گفته مورخین فلسفه متأثر از برهان ابن سینا بوده نیز

استفاده شود.

۳- قسمت سوم به بحث نتایج و تأثیرات برهان انسان معلق ابن سینا می‌پردازد. این

برهان بر چند مسئله مهم فلسفی تأثیر داشته است از جمله اثبات وجود نفس، تجرد نفس،

بقای نفس و مغایرت نفس با بدن که در این قسمت به بحث گذاشته شده است.

۴- قسمت چهارم به نتیجه‌گیری در باب تقریرات و آثار مختلف برهان ابن سینا

اختصاص دارد و می‌کوشد به جمع‌بندی و دسته‌بندی مطالب مطرح شده در فصول پیشین

بپردازد.



# فصل اول

## کلیات

## ۱- اهمیت و ضرورت مسئله

### ۱-۱- معرفت نفس

«معرفت نفس» یا «خودشناسی» یکی از مهمترین موضوعاتی است که از دیرباز مورد توجه بشر واقع شده و ذهن بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب کرده است. «خودشناسی» در کنار «خداشناسی» و «جهان‌شناسی» مثلی را تشکیل می‌دهد که در طول تاریخ محور اساسی اندیشه بشری بوده و می‌توان گفت اساسی‌ترین سئوالات بشر و بنیادی‌ترین جهت‌گیریهای فکری بشر حول این سه محور بوده‌اند. در این میان خودشناسی از جهاتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا انسان در پی آن است که پیش از هر چیز و پیش از همه خود را بشناسد و به حلّ معمای خود پردازد. از این گذشته «خودیابی» و کشف حقیقت وجود خویش از کشف خدا و شناخت جهان، جدا و بیگانه نیست علاوه بر این، خودشناسی مقدمه شناخت‌های دیگر است و تا خود شناسایی نشود، شناخت مسائل و موضوعات دیگر ضرورت نمی‌یابد.

دعوت به «خودآگاهی» و اینکه، «خود را بشناس تا خدای خویش را بشناسی» و «خدای خویش را فراموش مکن که خود را فراموش می‌کنی» سر لوحه تعلیمات مذهبی است!

جالب اینکه در نگاه آیات و روایات، خودشناسی کلید حل بسیاری از معارف دینی است و با خداشناسی ارتباط تنگاتنگی دارد تنها به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

«سنریم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق»<sup>۲</sup>

---

1- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۳۰.

2- فصلت / ۵۳.

به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در وجود خودشان به آنان نشان می‌دهیم تا حقانیت خداوند برای آنان آشکار شود.

امام علی (ع) فرموده است:

«من عرف نفسه فقد عرف ربه»<sup>۱</sup>

هر کس خود را شناخت پس به تحقیق خدایش را شناخته است.

هر قدر معرفت انسان به نفس خود بیشتر و عمیق‌تر شود تا آنجا که بتواند حقیقت وجود خویش را بدون حاجب و مانعی با علم حضوری و شهودی بیابد قهراً معرفت او نسبت به رب خویش بیشتر و عمیق‌تر خواهد شد و خدا را شهود خواهد کرد.

از سوی دیگر، خودشناسی با اعتقاد به معاد و حیات پس از مرگ انسان رابطه ناگسستنی دارد، زیرا اصولاً بدون اعتقاد به نفس مجرد و اصالت آن جایی برای اعتقاد به معاد وجود ندارد. از این رو، هر اندازه معرفت ما به نفس و قابلیت بقای آن پس از مرگ عمیق‌تر و گسترده‌تر شود اعتقاد ما به معاد و حیات پس از مرگ ریشه‌دارتر خواهد شد.

قرآن کریم - که در مورد مرگ مکرراً از واژه «توفی» (گرفتن و دریافت کردن به تمام و کمال) استفاده می‌کند به این نکته مهم توجه می‌کند که شخصیت انسان و «من» واقعی او چیزی است فراتر از بدن و جهازات بدنی که در اصطلاح قرآن، به نام «نفس» یا «روح» تعبیر می‌شود تمام آیاتی که به صراحت، زندگی بلافاصله پس از مرگ را بیان می‌کنند و از سعادت و شقاوت و خوشی و ناخوشی پس از مرگ خبر می‌دهند گواه این حقیقت هستند.

شهید مطهری در این باره می‌فرماید: مسأله روح و نفس و بقای روح پس از مرگ از امهات معارف اسلامی است. نیمی از معارف اصیل و غیر قابل انکار اسلامی بر اصالت روح و استقلال آن از بدن و بقای بعدالموت آن استوار است هم چنان که انسانیت و ارزش‌های واقعی انسان بر این حقیقت استوار است و بدون آن همه آن‌ها موهوم محض است.<sup>۲</sup>

1- محمدی ری شهری محمد، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۱۴۲.

1- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۵۰۷.

از دیگر سو، اعتقاد به روح و اصالت آن جایگاه بلندی در فلسفه اخلاق و نظام تعلیم و تربیت دارد. اعتقاد به نفس و کمال‌پذیری آن از اصول موضوعه علم اخلاق است، زیرا شالوده مباحث اخلاقی بر اصل نفس متعالی انسان و کمال‌پذیری و تأثیرپذیری آن از افعال اخلاقی استوار است و مهم‌ترین غرض و غایت در علم اخلاق و خودسازی «تعالی نفسانی» است.<sup>۱</sup>

در روایات متعددی، به رابطه تنگاتنگ معرفت نفس و اخلاق و خودسازی اشاره شده است به عنوان نمونه:

«من عرف نفسه لم يهنها بالفانيات»<sup>۲</sup>

کسی که خود را بشناسد آن را با امور فانی دنیا خوار و پست نمی‌گرداند

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ تَجَرَّدَ.<sup>۳</sup>

کسی که خود را شناخت، خود را از وابستگی‌ها رها نموده است.

هم‌چنین از روایات متعدد استفاده می‌شود که بدون معرفت نفس، معرفت حقیقی جهان

حاصل نخواهد شد به عنوان نمونه:

«من جهل نفسه كان بغيره اجهل»<sup>۴</sup>

کسی که به خویش جاهل است به غیر خویش جاهل‌تر است.

«لا تجهل نفسك فان الجاهل بمعرفة نفسه جاهل بكل شيء»<sup>۵</sup>

به نفس خویش جاهل مباش که در این صورت به هر چیزی جاهل خواهی بود.

آنچه که در این رساله مورد بحث و پژوهش قرار گرفته پژوهشی فلسفی درباره برهان

انسان معلق در فضای ابن سینا است. و تقریراتی که فیلسوفان بر آن نگاشته‌اند و نیز ساحات

---

2- مصباح یزدی محمد تقی، شرح جلد هشتم اسفار اربعه، ج ۱، ص ۲۴-۲۵.

2- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۱۴۱.

3- همان، ص ۱۴۲

4- همان، ص ۱۴۱

5- همان.



دلالت برهان یاد شده از این حیث نفسی که مورد شناسایی قرار گرفته است مجرد است یا مادی؛ جوهر است، یا عرض، چه رابطه‌ای با بدن دارد. آیا پیش از بدن موجود بوده، یا با بدن موجود شده یا از بدن سر در آورده است. آیا پس از مرگ باقی است یا باقی نیست.

## ۲-۱- اهمیت مباحث «نفس» در علم عقاید

بر اساس آنچه از مجموعه آیات قرآنی به دست می‌آید در میان مسایل اعتقادی اسلام «توحید» و پس از آن «معاد» حایز بیشترین اهمیت و والاترین مرتبت‌اند. مباحث نفس علاوه بر آن که با بخش‌های گوناگونی از معارف اسلامی در ارتباط است، با توحید و معاد ارتباطی محکم دارد. ارتباط آن با توحید بسیار روشن است. چرا که معرفت نفس راهی به سوی شناخت خداوند است «من عرف نفسه فقد عرف ربه»<sup>۱</sup> همان‌گونه که علم حضوری آگاهانه به نفس وقتی شدت یابد و کامل گردد با علم حضوری به خداوند متعال همراه خواهد بود علم حصولی به نفس نیز به شناخت حصولی پروردگار و اوصاف او مدد خواهد رساند و از همین روست که برخی از براهین اثبات وجود خدا بر مسأله نفس استوار گردیده است.<sup>۲</sup>

هر اندازه معرفت ما نسبت به خویش تعمیق گردد بیشتر به عظمت آفرینش و اسرار خلقت الهی و مظاهر قدرت خداوند پی می‌بریم چرا که «نفس انسانی» با تمام پیچیدگی‌ها و اسرار نهانش، بزرگ‌ترین آیت خداوند در هستی است، بنابراین هر قدر بیشتر به شناسایی این اسرار و عجایب توفیق یابیم با عظمت و بزرگی خداوند آشنا تر خواهیم شد.

از سوی دیگر می‌توان مباحث نفس را رکن رکین «معاد» دانست. اگر اعتقاد به نفس، به عنوان موجودی مستقل از بدن - که می‌تواند پس از فنای آن باقی باشد - نداشته باشیم اصولاً جایی برای معاد باقی نمی‌ماند. و این باور که بدون اثبات استقلال نفس نیز می‌توان معاد را ثابت کرد تصویری خام و نسنجیده است.

برای ارائه تبیین معقولی از معاد گام نخست همانا اثبات بقاء نفس پس از فناء بدن است. از این رو هر اندازه معرفت ما نسبت به نفس و بقاء آن پس از مرگ عمیق‌تر و گسترده‌تر باشد زمینه مناسبتری برای تبیین مسأله معاد فراهم می‌گردد. افزون بر این بسیاری از مسایل جزئی‌تر معاد نیز وجود دارد که با مباحث نفس در ارتباط است.

1- همان ج ۶- ص ۱۴۲.

2- صدرالمآلهین شیرازی، محمد ابراهیم، الاسفار الاربعه، ج ۸، صص ۴۷-۴۴.

### ۳-۱- جایگاه «علم النفس» در فلسفه اخلاق و نظام تعلیم و تربیت

اهمیت نفس تنها به مسائل فوق منحصر نیست. پاره‌ای از مسائل نفس از اصول موضوعه علم اخلاق است.

با وجود اختلاف در مکاتب فلسفه اخلاق تقریباً همه فلاسفه اسلامی بر این نکته متفق‌اند که اخلاق با کمال نفس ارتباط دارد. همان‌طور که در بحث‌های اخلاق در کتاب‌های گوناگون اشاره شده<sup>۱</sup> شالوده مباحث اخلاقی بر اصل کمال‌پذیری نفس و تأثیرپذیری آن از افعال اخلاقی استوار است و بدون آن تبیین عقلی و فلسفی کافی برای خیر و شر اخلاقی نخواهیم داشت.

به هر حال برای آگاهی از چگونگی تکامل نفس به وسیله افعال اخلاقی باید کمال نفس را شناخته، آن را هدف خویش قرار دهیم و رفتارهای اخلاقی خود را به عنوان طریقی برای رسیدن به آن مقصد سامان بخشیم، بنابراین لازم است که در ابتدا وجود نفس، ماهیت آن، مجرد بقای آن و امکان تکامل و غایت سیر آن را شناخت. از سوی دیگر همانگونه در مباحث فلسفه اخلاق ثابت شده ارزش عمل اخلاقی به هدف و غایت آن است. تا زمانی که ندانیم سیر نفس به سوی خداوند و کمال آن نزدیکی به خداست، «نیت» مطلوبی نخواهیم داشت و در این صورت رفتار ما از دیدگاه اسلام فاقد «ارزش اخلاقی» خواهد بود.

نتیجه این که مسایلی چند در باب نفس وجود دارد که به عنوان «اصل موضوع» در

اخلاق و نظامهای تربیتی پذیرفته می‌شود. برخی از این مسایل عبارتند از:

۱- نفس وجود دارد ۲- نفس غیر از بدن است ۳- نفس مجرد است ۴- نفس باقی است

۵- نفس کمال‌پذیر است ۶- نفس دارای اراده و اختیار است ۷- تکامل نفس از طریق اعمال

اخلاقی و اختیاری حاصل می‌شود ۸- جهت‌گیری اعمال مذکور باید به سوی هدف و غایت

تکامل نفس باشد.

---

۱- مصباح یزدی، محمد تقی، دروس فلسفه اخلاق، انتشارات اطلاعات، صص ۱۴۱-۱۳۸.

به همین سبب است که جبری مسلکان اساساً نمی‌توانند نظام اخلاقی و ارزشی معقولی ارائه دهند. زیرا لازمه رفتار اخلاقی این است که انسان در انجام نیک و بد مختار باشد. البته مطالب فوق به تنهایی برای سامان دادن به یک نظام تربیتی کافی نیست، بلکه مقدمات دیگری لازم است. که جنبه‌های روان‌شناختی نیز دارند.

#### ۴-۱- جایگاه «علم‌النفس» در فلسفه اسلامی پیش از حکمت متعالیه

پیش از صدرالمتألهین فیلسوفان مبحث نفس را در بخش «طبیعیات» مطرح می‌کردند آنان پس از تقسیم فلسفه به سه بخش کلی طبیعیات، الهیات- ریاضیات چند علم جزئی را در طبیعیات (که موضوع آن جسم) است مورد بحث قرار می‌دادند. اولین علم، «سمع الکیان» یا «سماع طبیعی» نامیده می‌شد و در آن از احکام کلی اجسام بحث می‌کردند. سپس وارد «فلکیات» شده از اجسام فلکی گفتگو می‌کردند و سرانجام به اجسام «عالم عنصری» می‌پرداختند.

در این قسمت ابتدا بحث از عناصر مفرده «اولیه» آغاز و سپس از مرکبات بحث می‌شد و بالاخره نوبت به موجودات ذی حیات، یعنی نبات، حیوان و انسان می‌رسید. اما تمامی این موضوعات تنها از آن جهت که جسمند و قابل تغییر و حرکت می‌باشند در طبیعیات مورد بحث قرار می‌گیرند از آنجا که نفس - خصوصاً نفس انسانی جوهری مجرد است و از افراد و مصادیق جسم نیست و از سوی دیگر موضوع علم جزئی باید یکی از مصادیق موضوع علم کلی باشد این پرسش قوت یافت که چگونه و با چه توجیه و تبیینی می‌توان نفس را در طبیعیات مطرح نمود؟

پاسخ آن بود که نفس در عین تجرد، به بدن تعلق دارد و از همین جهت یعنی از حیث تعلق نفس به بدن در طبیعیات بحث می‌شود. بنابراین، نفس از جهت تعلق به بدن در طبیعیات مورد بحث قرار می‌گیرد و اساساً نفس بر اساس همین اضافه‌اش تعریف می‌گردد.